

ارزیابی پیامدهای اقتصادی ادغام روستاها پس از حادثه

زلزله از دیدگاه توسعه پایدار:

مورد روستاهای بالکلور و جمالآباد از شهرستان طارمعلیا

* عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۱، سیدعلی بدری^۲

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

۲- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور

چکیده

این مقاله تأثیرات اقدامات مربوط به اسکان مجدد ساکنان برخی از روستاهای آسیب دیده از زلزله خردادماه ۱۳۶۹ در منطقه طارم علیا واقع در شمال شرقی استان زنجان را از بعد اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌دهد. شدت تخریب روستاهای منطقه توأم با مشکلات کمک‌رسانی به جمعیت متفرق ساکن در روستاهای کوچک اندام آن، ایده جابه‌جایی و اسکان مجدد را به عنوان راهکاری مناسب برای بازسازی، پیش روی مسئولان امر قرار داد. انتقال جمعیت دو روستای تخریب شده بالکلور و جمال‌آباد به روستای آب بر (مرکز شهرستان طارم‌علیا) و ایجاد مجموعه ادغامی آب بر، ماحصل چنین اقدامی است. حال با گذشت بیش از ده سال از وقوع آن حادثه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اسکان مجدد خانوارهای روستاهای آسیب دیده، حرکتی به سوی پایداری بوده است؟ در همین راستا، مقاله حاضر با هدف ارزیابی ابعاد اقتصادی این شیوه از مداخله توسعه‌ای در منطقه طارم‌علیا، به دنبال ارائه پاسخی منطقی و مستدل به این سؤال است که چه تحولاتی در ساختار شغلی خانوارهای جابه‌جا شده به وقوع پیوسته و پیامدهای اقتصادی ادغام چه بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به دلیل عدم توجه جدی به امور اشتغال‌زایی و محدودیت منابع آب و خاک از یک سو و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی محدودی که در بخش خدمات دولتی ایجاد شده از سوی دیگر، اجتماعات جابه‌جا شده به بهره‌برداری مجدد از منابع موجود در مکان‌های قبلی روی آورده و همچنان به مهاجرت‌های فصلی به سایر مکان‌ها از جمله شهرهای بزرگ ادامه می‌دهند. در این میان، شکل‌گیری اشتغال زنان در خارج از روستا به عنوان پدیده‌ای جدید قابل طرح است.

کلید واژه‌ها: ارزیابی پیامدهای اقتصادی، اسکان مجدد روستایی، توسعه پایدار، اشتغال‌زایی،

فرصت‌های شغلی

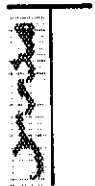


۱- مقدمه

تکرار حوادث غیرمترقبه طبیعی و اثرگذاری بسیار زیاد آنها بر کالبد ناتوان سکونتگاههای انسانی مناطق روستایی به طور عام و روستاها به طور خاص از یک سو و ضرورت استفاده صحیح و بهینه از منابع و سرمایه‌های محدود، شیوه‌های نوینی از مداخله کالبدی را طلب می‌کند که ضمن ارائه الگوهای مناسب بازسازی، زمینه و بستر لازم جهت دستیابی به رشد و توسعه درخور و پایدار را فراهم ساخته، همسو با آن از ایجاد بحرانهای عملکردی جلوگیری به عمل آورد.

اصولاً در برابر این سؤال که «چه سیاست یا سیاستهایی باید در مورد مسائل و مشکلات روستاها اتخاذ شود؟» نظریات و دیدگاههای متفاوتی وجود دارد که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آنها را به نظریات «مخالف برنامه‌ریزی» و «نظریات موافق برنامه‌ریزی» جهت جلوگیری از نابودی تدریجی روستاها تقسیم کرد. نظریه اول منبعث از دیدگاههای اقتصاد نئوکلاسیک است که نه تنها حمایت از روستاهای در حال زوال را پیشنهاد نمی‌کند، بلکه معتقد است منابع عمومی باید به نقاطی که بیشترین بازده اقتصادی را دارند، اختصاص یابد. دیدگاه دوم مربوط به گروههای مختلف فکری است که اساساً با برنامه‌ریزی و مداخله دولت جهت جلوگیری از سقوط روستاهای در حال نزول موافقت؛ لکن برخی با تأکید بر حفظ محیط زیست طبیعی و انسانی، این امر را از طریق بالابردن سطح زندگی مردم و بدون پذیرش جابه‌جایی فیزیکی یا ادغام آنها «در سکونتگاههای بزرگتر» امکان‌پذیر می‌دانند. ایجاد مراکز روستایی خدمات‌رسان و بهبود دسترسی از جمله راهکارهای پیشنهادی طرفداران این دیدگاه است. در داخل همین طیف، دیدگاه دیگری که ریشه‌های آن را می‌توان در نظریه‌های برنامه‌ریزی عقلایی جستجو کرد، به توسعه برنامه‌ریزی‌شده روستاها و بالابردن سطح زندگی مردم بیش از حفظ ساختار فیزیکی آنها اهمیت می‌دهد. در این چارچوب، جابه‌جایی و ادغام روستاها در یکدیگر به منظور عقلانیت‌بخشیدن به سرمایه‌گذاریهای دولت و بهبود رفاه روستاییان پیشنهاد می‌شود. فرض اساسی این دیدگاه آن است که رابطه معناداری بین رشد و توسعه اقتصادی و دسترسی به امکانات و خدمات زیربنایی وجود دارد. بنابراین مهمترین پدیده مورد بحث در این سیاست، جابه‌جایی تعدادی از روستاها است که در ادبیات علمی از آن به عنوان «اسکان مجدد» نام برده می‌شود، [۱، صص ۱۷-۲۲].

به طور کلی دیدگاههای موجود در زمینه مطالعه سکونتگاههای روستایی را می‌توان در



پنج دسته اصلی نظریه سیاسی، نظریه برنامه‌ریزی، نظریه‌های اجتماعی، نظریه اقتصادی و نظریه‌های شکلی^۱ خلاصه کرد. از بین این نظریات، نظریه‌های اجتماعی بر وجود ارتباط قوی میان برنامه‌ریزی و نظریه‌های اجتماعی تأکید داشته، بر پذیرش توانایی و مؤثر بودن طراح و برنامه‌ریز بودن انسان در برنامه‌ریزیها صحنه می‌گذارد. نظریه‌های شکلی نیز با تأکید بر تبیین روند برنامه‌ریزیهای روستایی در چارچوب نظریه‌های ساختی و نقد و ارزیابی سیاستهای مختلف و نیز برنامه‌های اجرا شده، همکاری میان علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی را به عنوان مبنایی برای آگاهی از سیاستهای برنامه‌ریزی ذکر می‌کنند. نظریه‌های اخیر خود به چهار دسته تقسیم می‌شوند: الگوی سلسله مراتبی سکونتگاهی، تغییرات آستانه‌ها، اقتصاد مقیاس و مراکز رشد [۲، صص ۱۲۸-۱۳۲]. در این میان، «نظریه اقتصاد مقیاس»^۲ که با توجه به محدودیت منابع و عدم توانایی حمایت از روستاهای کوچک در زمینه ارائه امکانات مختلف خدماتی، بالابودن هزینه‌ها و سودمند نبودن خدمات‌رسانی به این نوع روستاها، در چارچوب نظریه کلاسیک بنگاهها، صرفه‌جویی ناشی از مقیاس را بر اساس انجام خدمات‌رسانی در مراکز جمعیتی بزرگ توصیه می‌کند، به لحاظ تطابق و نزدیکی چارچوب و اصول بنیادین آن با موضوع مقاله حاضر، به عنوان یکی از پایه‌های نظریه‌ای در اینجا مورد توجه بوده است. علاوه بر این، یکی از مهمترین جنبه‌های جابه‌جایی و تجمیع روستاها، آثار کوتاه و بلندمدت این سیاست بر ساختار فضایی کشور از یک طرف و توسعه پایدار سکونتگاهها از طرف دیگر است. سؤالاتی مانند اینکه آیا جابه‌جایی و تجمیع، به عمر روستاهای جابه‌جا شده خاتمه می‌دهد؟ آیا این سیاست با اهداف و مقاصد توسعه پایدار هماهنگ است؟ و آیا اجتماع جابه‌جا و تجمیع شده خصوصیات و ویژگیهای یک جامعه پایدار را دارا است؟ از جمله سؤالات قابل طرح هستند. یافتن پاسخ درست این سؤالات نیازمند مطالعات دقیق در این زمینه است. اگر مفهوم پایداری را معادل قدرت انطباق اجتماع انسانی با شرایط جدید محیطی یا به عبارتی، توان ماندگاری در نظر بگیریم، ارزیابی پایداری اسکان مجدد به عنوان یکی از شیوه‌های بازسازی مناطق آسیب‌دیده روستایی در کانون توجه این مقاله است. هر چند از نظر مفهومی هنوز در تعریف و تبیین اهداف توسعه پایدار اشتراک نظر کاملی وجود ندارد، برخی تعریف مبهمی را مطرح کرده، مدعی هستند که این شیوه از توسعه این امکان را فراهم می‌آورد که زمینه و جوه مشترک میان موقعیتهای ناسازگار با محیط و توسعه از طریق این



مفهوم میانی دنبال شود. بنابراین توسعه پایدار باید ارتقای توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون تخریب محیط زیست، حفظ بهترین کیفیت زندگی برای مردم، جلوگیری از کاهش امکان انتخاب برای نسلهای آینده و نهایتاً جلوگیری از بروز، کاهش شدت و یا حداقل اجتناب از عوارض نامطلوب بلایا و حوادث غیرمترقبه طبیعی را تضمین کند [۳، صص ۲۸-۳۴]. بدیهی است اهداف مذکور اتخاذ یک رویکرد عمل‌گرایانه مبتنی بر تحقیق، نظارت و ارزیابی دقیق تأثیرات را ایجاب می‌کند. با در نظر گرفتن مفهوم توسعه پایدار و معیارهای دستیابی به آن که امروزه به تدریج در حال شناسایی هستند، لازم است وضع موجود روستاها از یک طرف و آثار سیاست اسکان مجدد از طرف دیگر در رابطه با توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. برای برنامه‌ریزان روستایی، توسعه پایدار به معنای تهیه برنامه‌هایی است که به فرم فیزیکی کارا و روابط اجتماعی و اقتصادی قوی‌تر بینجامد [۱] یا از دیدگاهی دیگر، اهداف توسعه پایدار روستایی را می‌توان در امنیت غذایی، فقرزدایی، مشارکت، حفاظت از محیط زیست و خوداتکایی خلاصه کرد [۴].

این مقاله تأثیر اقدامات مربوط به اسکان مجدد ساکنان برخی از روستاهای آسیب دیده از زلزله خرداد ماه ۱۳۶۹ در منطقه طارم علیا واقع در شمال شرقی استان زنجان را از بعد اقتصادی مورد مطالعه قرار داده که در جریان وقوع زلزله، اکثر سکونتگاههای روستایی آن به دلیل مجاورت با کانون اصلی حادثه (منجیل)، دچار آسیب‌دیدگی گشت و بسیاری بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب شدند. در این میان، شدت تخریب روستاهای قسمت کوهستانی منطقه توأم با مشکلات کم‌کرسانی به جمعیت متفرق ساکن در روستاهای کوچک اندام آن، ایده جابه‌جایی و اسکان مجدد را به عنوان یک راهکار مناسب برای رسیدگی، کم‌کرسانی و بازسازی محل سکونت پیش روی مسئولان امر قرار داد [۵، صص ۲۴۸-۲۵۵]. البته در کنار وسعت زیاد منطقه آسیب‌دیده و حجم بالای تخریب، همان‌گونه که یک پژوهش میدانی نیز مشخص می‌سازد به دلیل فقدان مدیریت منسجم در دو دوره و ساماندهی (اسکان موقت) و بازسازی (اسکان دائم)، تصمیم‌گیری‌هایی در جهت ادغام برخی روستاها از طرف ستادهای معین صورت پذیرفت که در مواردی صرفاً جهت سهولت در عملیات بازسازی بود [۶، صص ۳۰۰-۳۰۵]. ایجاد مجموعه ادغامی «آب بر» حاصل چنین اقدامی است. با عنایت به تحقیقاتی که به دنبال وقوع زلزله خردادماه ۱۳۶۹، توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و با هدایت علمی و حمایت مالی «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» تحت عنوان «بسیج توان فنی کشور برای مقابله با زلزله» انجام شد، ابعاد و جنبه‌های متفاوت این حادثه مورد بررسی کارشناسی قرار گرفت. حال با گذشت



بیش از ۱۰ سال از آن حادثه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اسکان مجدد خانوارهای ساکن در روستاهای آسیب دیده، حرکتی به سوی پایداری بوده است یا خیر؟ در همین راستا مقاله حاضر در پی آن است که با محور قراردادن بررسی مجدد از مجموعه ادغامی آب بر به شیوه پانل و با هدف ارزیابی ابعاد مختلف این شیوه از مداخله توسعه‌ای در منطقه طارم علیا، پاسخی منطقی و مستدل برای این سؤال بیابد که چه تحولاتی در ساختار شغلی خانوارهای جابه‌جا شده به وقوع پیوسته است و یا پیامدهای اقتصادی ادغام چه بوده است؟

۲- ارزیابی تأثیر اقتصادی

متون توسعه پایدار نشان می‌دهد که نظامهای اقتصادی با رویکرد کلاسیک در ارزیابی و محاسبه دو موضوع کلیدی عدالت و پایداری شکست خورده‌اند و به عبارتی بازار تنها کارایی را در نظر می‌گیرد و تنها به کارایی منتهی می‌شود، در حالی که این دو موضوع، یعنی عدالت و پایداری، مشترکاتی دارند، هر دو با مسأله توزیع سر و کار دارند. به طور ساده، عدالت با توزیع در سطح فضا و پایداری با توزیع در طول زمان مرتبط است [۷، ص ۲۲]. از این رو ارزیابی اقتصادی به ارزشگذاری نزدیک شده، جریانهای پولی یا داده و ستانده ناشی از فعالیت‌های مختلف بخشهای اقتصادی را می‌سنجد. این نوع ارزیابیها غالباً هرچه را که با معیارهای پولی و بازار قابل سنجش باشد، مورد توجه قرار می‌دهند [۸، ص ۴۵]. ارزیابی آثار اقتصادی عمدتاً در برگزیده تعریف، توصیف و کمی کردن کلیه آثار ایجاد شده توسط طرحها است. این آثار می‌توانند مثبت یا مطلوب و یا منفی یا نامطلوب باشند. هدف از کمی کردن آثار، اندازه‌گیری میزان و سهم هر یک از عوامل مؤثر طرح است؛ بدین معنا که میزان تأثیرگذاری یک سیاست یا خط مشی در توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد. در این زمینه عمدتاً از روش تحلیل هزینه - فایده استفاده می‌شود [۲، صص ۱۲۸-۱۳۲].

اگر بخواهیم تعریفی برای توسعه پایدار اقتصادی ارائه کنیم می‌توان گفت یک اقتصاد محلی پایدار، اقتصادی است که به طور متقابل و دو طرفه روابط سودمند و عادلانه درونی، یعنی در داخل اجتماعی و بیرونی، یعنی با جامعه و اقتصاد وسیع‌تر، را حفظ می‌کند. یک اقتصاد سالم روستایی قادر است خود را از طریق گسترش و از طریق فعالیت‌های فرعی/جنبی^۱ مبتنی بر منابع و تولیدات موجود تغییر داده، احیا کند. به موازات پایداری شدن اقتصاد، وجوه سرمایه‌گذاری همراه با نظارت و کنترل محلی تکنولوژی افزایش می‌یابد. براین



مبنا «پل پراید» ویژگیهای یک اقتصاد توسعه یافته را این گونه تشریح می‌کند:

۱. اقتصاد توسعه یافته برای به‌کرد مستمر و اصلاحات در زمین، نیروی کار، سرمایه و توان مدیریتی دارای ظرفیتی است که به منظور ایجاد ترکیبی مطلوب از کالاها و خدمات برای بازار خارجی و داخلی سازماندهی می‌شوند.

۲. هنگامی که اقتصاد محلی این اصلاحات را اتخاذ می‌کند، آسیب‌پذیری‌اش در برابر تغییرات ناگهانی در تکنولوژیهای تولید و در شرایط بازار کاهش می‌یابد و به عبارت دیگر، چنین اقتصادی بهبودپذیر، متنوع و نوآورانه است.

۳. اقتصاد توسعه یافته با نرخ بالایی ایجاد شغل، توأم با توزیع عادلانه درآمد، کالاها و خدمات مشخص می‌شود. به عبارت دیگر در هر اجتماعی، منابع طبیعی، انسانی و فرهنگی، قالبهای سازنده توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌شوند. مدیریت دقیق این منابع به افزایش تولید کالاها و خدمات، ذخیره سازی منابع تجدیدشونده، تقویت فرهنگهای منحصر به فرد و گسترش فرصتهای اقتصادی کمک می‌کند. ارزش منابع موجود بالا می‌رود و کالاها و خدمات توسعه می‌یابند. با ارتقای ظرفیت خدمات‌رسانی به بازارهای متنوع محلی، منطقه‌ای و صادراتی، گردش پول نیز وسعت پیدا می‌کند [۹، صص ۲۴-۲۵].

عموماً در تلاش برای تعریف اصول عملیاتی پایداری، دو مسیر عمده دنبال می‌شده است. اولین مسیر بر مبنای ارزشگذاری اقتصادی موجودی / موجودیهای سرمایه‌ای قرار دارد که باید از نسلی به نسل بعدی برسد. دومین مسیر، قوانین اصلی علم را به منظور فراهم آوردن درک و بینش عمیق‌تر از شرایط «حد و مرز رشد حاصل شده» و آنچه روابط پایدار بلندمدت جامعه و طبیعت می‌سازد، به کار می‌گیرد. هر پارادایم و الگویی، راهنما و جهت‌نمای متفاوتی از اصول و چشم‌اندازهای پایداری را ارائه می‌دهد. اقتصاددانان محیط‌گرا - مثل پیرس و دیگران - پایداری را به عنوان بهبود موجودی سرمایه و مقدار فرصتهایی که برای نسل بعدی به وجود می‌آورد تعریف می‌کنند.

- سرمایه انسان ساخت: شامل ماشینها، ساختمانها و زیرساختهایی که تولید کالاها و خدمات را پشتیبانی می‌کنند.

- سرمایه طبیعی: شامل منابع طبیعی و فرایندهای اکولوژیکی که مواد خام را فراهم می‌آورند و دربردارنده یک نظام حمایتی از حیات هستند.

- سرمایه اجتماعی: ظرفیتهای انسانی، شبکه‌های اجتماعی و نظامهای نهادی که به یک اجتماع و اقتصاد پیچیده امکان فعالیت می‌دهند.



بسته به نوع تعبیر و تفسیر از چگونگی روابط این سرمایه‌ها و اهمیتی که برای سرمایه طبیعی قائل می‌شوند، چهار سطح از پایداری را می‌توان تشخیص داد: پایداری ضعیف، پایداری متوسط، پایداری قوی و پایداری مطلق.

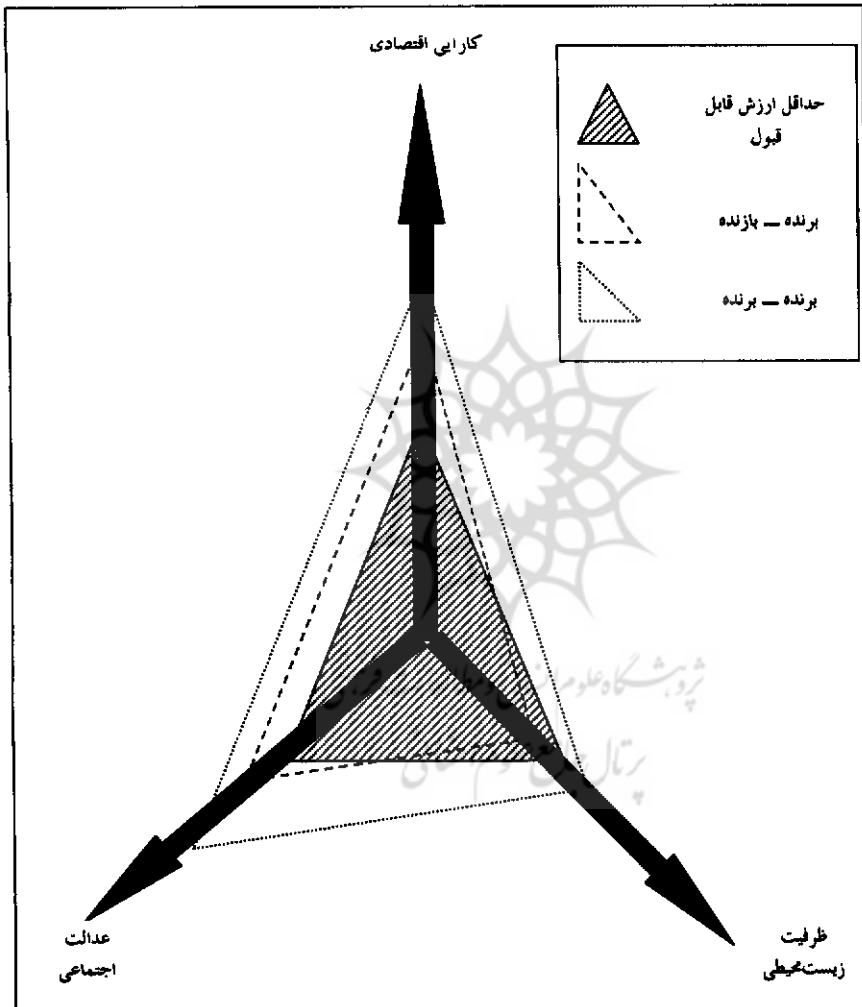
پایداری ضعیف، مستلزم حفظ و نگهداشت ذخیره سرمایه بدون توجه به موقعیت آن است. تبدیل سرمایه طبیعی می‌تواند و باید به سرمایه و ستانده‌های اقتصادی (کالاها و خدمات) ادامه یابد و تنها زیر نظر سیاستهای زیست محیطی قوانین و خطوط راهنما تنظیم و هدایت شود.

پایداری متوسط، نیازمند توجه به سطوح نسبی سرمایه است. در این وضعیت به جایگزین شدن سرمایه طبیعی فقط به اندازه محدوده‌های بحرانی مشخص - یعنی آستانه‌هایی که تاکنون ناشناخته مانده‌اند - توجه می‌شود. رویکرد معقولانه این است که برای بهره‌برداری و حفاظت از منابع طبیعی اصل احتیاط مورد توجه قرار گیرد.

پایداری قوی، به معنای حفظ و نگهداشت سرمایه طبیعی در سطوح فعلی است. از دست دادن منابع و تخریبهای اکولوژیکی ناشی از فعالیتهای توسعه‌ای باید تغییر کند و یا با آنها مقابله شود.

پایداری مطلق، به معنای بهره‌برداری غیرمخرب و بدون تهی‌سازی منابع طبیعی است. این موضوع به عنوان پایداری قوی غیر معقول و محال اطلاق می‌شود، زیرا در این صورت فقط افزایش خالص سالیانه منابع تجدیدپذیر قابل استفاده خواهد بود [۱۰، ص ۲۱].

در این نگرش، اجتماعات روستایی از مواهبی برخوردارند که اکثر مردم برای آنها ارزش قائل هستند: محیط تمیزتر، مناظر تماشایی، فرهنگهای قومی و شیوه‌های زیست مشخص و اختصاصی، هنرهای عامیانه و فولکلور و در ارتباط با این بحث، ایجاد فرصت برای ساکنان روستا جهت بهبود بخشیدن به وضع معیشتی خود. بهره‌برداری از تفاوت‌های موجود میان اجتماعات روستایی و شهری به معنای به کارگیری معیارهای روستایی برای رشد، کاربری زمین، منطقه‌بندی تجاری و حفاظت است. اقتصاد پایدار همچنین به معنای بهره‌گیری از معیارهای روستایی برای انتخاب راهبردهای توسعه اقتصادی است. تدوین یک راهبرد توسعه اقتصادی دارای پتانسیل حفاظت از منابع، افزایش بهره‌وری محلی و توزیع عادلانه منافع حاصل، هم یک هنر است و هم یک علم. علم است به این دلیل که طراحی فهرست‌برداری و یک راهبرد مناسب، عناصر اصلی را تشکیل می‌دهند؛ و هنر است، زیرا به گونه‌ای خلاق، عناصر توسعه پایدار اقتصادی را در طراحی ترکیب می‌کند و می‌آمیزد. این عناصر عبارتند از:



تصویر ۱ رابطه میان اهداف زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی

۱. تأکید بر توسعه انسانی، توسعه مهارت‌های انسانی، موجبات پیشرفت یک اقتصاد رقابتی را از طریق خلق محصولات، خدمات و تکنولوژیهای تولیدی نوین فراهم می‌کند.

۲. گسترش نظارت محلی بر منابع اجتماع انسانی متکی به استفاده پایدار از منابع طبیعی، زمین و آب است.

۳. افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری داخلی، به منظور انجام تعهدات برای ایجاد جهش و گسترش امور تجاری، نیازمند سرمایه است.

۴. تغییر و تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی برای افزایش فرصت و کاهش وابستگی. یک اقتصاد نمی‌تواند با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی که فقر و بیکاری را استمرار می‌بخشند، توسعه پیدا کند. این عناصر چهارگانه نه تنها عناصر کلیدی در یک راهبرد توسعه هستند، بلکه وسیله ارزیابی نیز به حساب می‌آیند؛ شیوه‌ای برای اندازه‌گیری یک راهبرد پیشنهادی یا برای سنجش حرکت یک اقتصاد به سوی پایداری [۱۱، صص ۱۸۲-۱۸۵].

در این ارتباط افرادی از جمله «پاراسورمن» مباحث روش‌شناسی ارزیابی اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. وی با بررسی گسترده از متدولوژیهای موجود این نکته را مطرح می‌کند که ارزیابی طرحهای اسکان مجدد باید تنوع و گستره‌ای از اهداف را تعقیب کند که اولویت‌دادن به جبران خسارات وارد برای شروع زندگی در اجتماعات جدید، جابه‌جایی کل واحدهای اجتماعی (خانوار یا روستا)، تدارک و فراهم آوردن زیرساختها در نواحی اسکان مجدد و ادغام و یکپارچه کردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی در درون اجتماعات میزبان از جمله آنها است. ارزیابی این فرایند باید شمال بررسیهای ابتدایی و دنباله‌دار و پیگیرانه، توجه به آثار جابه‌جایی بر روی اجتماعات میزبان و ارزیابی کمی و کیفی و شناخت جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناختی جمعیت جابه‌جا شده باشد [۱۲، ص ۱۹۵].

در تجربه‌ای دیگر، «مایکل سرنیا» از مشاورین بانک جهانی یک مدل مفهومی برای تجزیه و تحلیل محتوای اجتماعی و اقتصادی جابه‌جایی طرح و پیشنهاد کرده است. مدل مذکور، مخاطرات عمده جابه‌جایی را پیش‌بینی کرده، واکنشهای مردم جابه‌جا شده را توضیح می‌دهد و می‌تواند بازسازی معیشت و زندگی جابه‌جا شدگان را هدایت کند. این چارچوب مفهومی، «مدل مخاطرات و بازسازی برای اسکان مجدد جمعیت جابه‌جا شده» نامیده می‌شود.

مانند هر قالب مفهومی دیگر، این مدل نیز یک وسیله و ابزار است؛ هم به عنوان ابزاری برای تولید و سازماندهی دانش و هم وسیله‌ای جهت راهنمای عمل که برای مقاصد سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مفید است. این مدل هم نقش شناسنده (دانستنی) و هم نقش



اجرای را در اسکان مجدد ایفا می‌کند و می‌تواند به بازیگران اجتماعی فرایند اسکان مجدد - یعنی سیاستگذاران، طراحان پروژه، محققین اجتماعی و البته جمعیت جابه‌جا شده - سرویس بدهد. مدل مذکور همچنین قادر است برای دستیابی به تکامل چشم‌اندازها و آگاهی عمیق‌تر، با دیگر چارچوبهای مفهومی مرتبط شود. علاوه بر این، امکان گسترش این مدل با اصلاحات مناسب جهت تحلیل فرایندهای مشابهی که جمعیت‌های جابه‌جا شده دیگر همچون آوارگان ناشی از بروز جنگ‌های داخلی، آزار و اذیت نژادی یا بلایای طبیعی را متأثر کرده، وجود دارد. این بررسی‌های نظریه‌ای بیشتر درباره مفاهیم ضمنی و استنباطات مدل، برای کاربردهای مفهومی و عملیاتی آن، مفید و سودمند خواهد بود. چهار کارکرد مشخص و در عین حال مرتبط و به هم پیوسته که مدل مخاطرات و بازسازی قادر به انجام آن است، عبارتند از: کارکرد تشخیص‌دهندگی؛ توضیحی و دانستنی؛ کارکرد پیش‌بینی و آینده‌نگری؛ آگاهی و برنامه‌ریزی؛ کارکرد حل مسائل برای راهنمایی و سنجش تجدید ساختار جابه‌جا شدگان و کارکرد تحقیقی برای شکل‌بندی فرضیات و تنظیم و اداره پژوهش‌های میدانی منتهی به تئوری. در مدل مذکور، مخاطرات عمده و فرایندهای فقر و تنگدستی ناشی از جابه‌جایی همانند: الف) بی‌زمینی، ب) بیکاری و از دست دادن شغل، ج) آوارگی، د) حاشیه‌ای شدن، ه) نبود امنیت غذایی، و) عدم دسترسی به منابع تحت مالکیت عمومی، ز) فساد روزافزون، و ح) تجزیه تفرقه اجتماع، معین و مشخص شده است. از سوی دیگر، مدل مزبور بر این نکته اشاره دارد که بازساخت و بهبودبخشیدن به وضع زندگی و معیشت جمعیت جابه‌جا شده، نیازمند معکوس‌کردن جریان مخاطرات از طریق راهبردهای مشخصی است که به‌وسیله سرمایه‌گذاری و تدارک مناسب مالی، حمایت و کمک شود. نویسنده ضمن بررسی رویکردهای ناقص در زمینه بازسازی و محدودیتهای ذاتی تحلیلهای هزینه - فایده، نشان می‌دهد که چگونه کارگزاران و محققین قادر خواهند بود مدل پیشنهادی را به عنوان ابزاری برای تشخیص، پیش‌بینی و یک راهنمای مفید تحقیقاتی به کار بندند [۱۲، صص ۱۵۶۹-۱۵۸۷].

۳- تجارب جهانی

تجارب موجود در برخی کشورها از جمله مالزی (طرح فل کرا)، سری‌لانکا (پروژه ناگادپیا)، اندونزی (جابه‌جایی جمعیت از جزیره جاوه به جنوب سوماترا)، هند (پروژه دانداکارنیا)، نپال (پروژه نوالپور)، سومالی (پروژه دوجوما)، کنیا (طرح آبیاری و اسکان بورا)، اتیوپی (برنامه اسکان مجدد بعد از خشکسالی سال ۱۹۷۴) و برزیل (منطقه روندونیا) نشان از توفیق ناچیز



این گونه طرحها دارد، لکن غالباً نتوانسته‌اند به صورت نمودی از توسعه کشاورزی جلوه کرده یا سطح زندگی باز استقرار یافتگان را بالا ببرند.

به عنوان مثال، برنامه‌های استقرار مجدد در سوماتالی بسیار پایین‌تر از هدفهای مورد نظر بوده است. نامتناسب بودن درآمد و نبود فرصتهای شغلی باعث شد که بسیاری از اسکان‌یافتگان برای یافتن کار این محلها را ترک کرده، کودکان و سالخوردگان را در آنجا باقی بگذارند. تا پایان سال ۱۹۸۱ تنها ۷۵ هزار نفر از مجموعه ۱۲۰ هزار نفری جمعیت اسکان یافته اصلی که قبلاً زندگی ایلیاتی داشتند، در استقرارگاه طرح‌ریزی شده باقی ماندند و بقیه محل را ترک کردند. این امر در بهره‌وری کشاورزی و درآمد در مناطق استقرارگاه تأثیر معکوس داشته است. تنها اعضای خانوار به دلیل برخورداری و استفاده از تسهیلات آموزش، درمان و مسکن رایگان در این محلها باقی می‌مانند.

شاید بتوان فقدان برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی را عامل عمده‌ای در ضعف اجرای پروژه‌های اسکان مجدد در آسیا، افریقا و آمریکای لاتین دانست؛ چرا که یکی از قطعی‌ترین جنبه‌های این گونه برنامه‌ریزیها، گزینش مطهای مناسب است. به عنوان نمونه پروژه دوجوما در سوماتالی به دلیل شوری زمین و نامناسب بودن برای کشاورزی و نداشتن مطالعات خاکشناسی، پس از پنج سال بدون نتیجه رها شد. یا در نپال زمینی که برای اسکان مجدد برگزیده شد، به جهت استقرار در مناطق بالادست و سوار نشدن آب بر روی آن، بهره‌وری پایینی دارد. علاوه بر این، مدیریت درست و امور اجرایی، عامل مهم دیگری در تعیین موفقیت برنامه اسکان مجدد است.

با وجود موفقیت ناچیز این‌گونه طرحها، برنامه‌های اسکان مجدد در بیشتر کشورهای در حال توسعه عمومیت یافته است. دلیل عمده این مسأله آن است که چنین برنامه‌هایی از نظر سیاسی مطلوبتر بوده، به صلاح نزدیکتر هستند و اجرای آنها نسبت به دیگر اقدامات از جمله اصلاحات ارضی آسانتر است. به هر حال، شواهد موجود گویای آن است که برنامه‌های تازه به تنهایی نمی‌توانند حلال مشکلات اصلاحات ارضی باشند. در واقع توزیع زمین در بسیاری از طرحهای اسکان، مانند دیگر برنامه‌های متداول کشاورزی از هدف خود دور شده است. این روش از نظر جذب نیروی انسانی و توان طرحهای استقرار در نگهداری اسکان‌یافتگان، پیامد معکوس داشته است [۱۴، ص ۱۲۸].

در کشورهای توسعه یافته نیز چنین برنامه‌هایی اجرا شده است از جمله برنامه‌ریزان روستایی انگلستان طی دوره ۱۹۵۰-۱۹۷۰ تحت تأثیر این منطق ساده که «تمرکز بیشتر



جمعیت، تأمین تسهیلات محلی، تأمین آب، طرحهای فاضلاب و حمل و نقل عمومی بین سکونتگاههای روستایی و شهری را آسانتر و اقتصادی خواهد کرد» طرحهای توسعه را تهیه و اجرا کردند.

در این طرحها سه سیاست مشخص، شامل سیاست سکونتگاههای مرکزی، سیاست کاهش برنامه‌ریزی شده (سکونتگاهها و خدمات) و سیاست طبقه بندی روستاها در برنامه‌ریزی روستایی ارائه و اجرا شد. سیاست ساخت روستاهای جدید در این کشور مربوط به سیاست «واحد روستا»^۱ بوده، شامل احداث روستاهای جدید در نقاط مستعد یا اسکان مجدد در محل روستاهای متروک است [۱۵، ص ۲۴].

پیمایش اجتماعی - اقتصادی تفصیلی توسط بانک جهانی در ۴ روستا از ۳۰ روستای کاملاً متأثر از ساخت سد که تغییر مکان روستاها را به دنبال داشت، حاکی از موفقیت‌هایی است که علل آن عبارتند از: اولاً تجانس گروهی و تعلق خاطر آنها به کاست ماراتا^۲ که به لحاظ در اختیار داشتن رهبران قوی از قدرت و اعتبار بالای سیاسی برخوردار بودند و آنها را در فرایند اسکان مجدد حمایت کردند و دریافت زمین را در مکان جدید برای اسکان‌یافتگان امکانپذیر ساختند؛ ثانیاً میان روستاهای میزبان با روستاهای جابه جا شده نوعی تجانس و همسانی قومی وجود داشت؛ ثالثاً حمایت‌های سیاسی و انطباق آن با روشهای توسعه اقتصادی نقش مهمی ایفا کرد [۱۶، صص ۱۰۷-۱۱۸].

شاید بتوان ایجاد دهکده‌های عجم یا اوجاما^۳ در کشور تانزانیا را یکی از بلندپروازانه‌ترین طرحهای اسکان مجدد که در دنیا به مرحله اجرا در آمده، عنوان کرد که در زمینه تدارک خدماتی از قبیل آموزش، درمان و خدمات ترویجی برای جمعیت‌های بومی پراکنده و همچنین کنترل مؤثرتر جمعیت دهقانی [۱۷، ص ۱۶۲]، گسترش برخی خدمات اجتماعی مانند تأمین آب آشامیدنی بهداشتی، تسهیلات آموزشی و احداث جاده‌ها، از نظر موقعیتها قابل توجه و مهم بوده است [۱۸، ص ۲۴]. لکن باید به این نکته نیز توجه داشته که تأثیر اساسی این قبیل طرحها بر توزیع جمعیت در کشورهای در حال توسعه بسیار محدود بوده و حتی در مناطقی که موفقیتی حاصل گشته، توفیق به دست آمده کوچکتر از آن بوده که تأثیر عمده‌ای را از خود نشان دهد [۱۹، ص ۶۳]؛ به طوری که اسکان مجدد اجباری



1. The Village Unit
2. Maratha Caste
3. Ujamma

(غیرارادی) با فشارهای رو به تزاید اجتماعی - فرهنگی، شیوع فساد و مرگ و میر و تخریب زیست محیطی شامل از بین رفتن زمینهای جنگلی و علفزار همراه بوده است. بررسی آثار برنامه‌های خانه‌سازی صدمات بلایای طبیعی زلزله سال ۱۹۷۹ گواتمالا نشان می‌دهد که:

- به رغم اهمیت فوق‌العاده و تعیین کننده «کمک بازسازی»، نوع کمک اهمیت بسیار زیاد دارد، نه ارزش و میزان آن.

- مطالعه قویاً این نکته را تأیید می‌کند که «خانه سازی موقت» به عنوان شکلی از کمک، فرایند بهبود و جبران وضعیت را به تعویق انداخت، در حالی که «برنامه‌های ساخت خانه‌های دائم» به طور واقعی بهبود خاصی در شرایط زیست به وجود آورد.

آثار نابرابر انواع متفاوت برنامه‌های خانه‌سازی، تغییرات مهمی در توزیع منابع اقتصادی ایجاد کرده، بر نظام تشکیل طبقات در اجتماعات مصیبت‌زده تأثیر می‌گذارد.

- توأم با اهمیت داشتن عوامل مختلف تأثیرگذار بر خانوارها، مطالعه مشخص کرده که خانوارهای ساکن در اجتماعات کوچک روستایی و از نظر سیاسی دور افتاده (حاشیه‌ای)، مشکلات بزرگتری را در باب غلبه بر آثار تضعیف کننده مخاطرات طبیعی، تجربه می‌کنند [۲۰، ص ۶۲].

«جورج پی. اوسترلینگ» در مقاله خود تحت عنوان «حادثه زلزله ۱۹۷۰ پرو و جابه‌جایی خردانگیزخته برخی از آسیب دیدگان: مهاجرت‌های دهقانی آنکاشینو در هایوپامپا» نشان می‌دهد که چگونه یک حادثه طبیعی از طریق ایجاد فشار بر برخی از آسیب دیدگان (دهقانان آنکاشینو که از نظر اقتصادی دچار رکود و مشکل شده بودند) نوگرایی و رسوخ فرهنگی را برمی‌انگیزد تا اقبال و شانس خود را درون یک اقتصاد کارگری جستجو کنند [۲۱، صص ۱۱۷-۱۲۰].

«پل لیتل‌وود» با ارائه توصیفی از آثار فوری و بلندمدت زلزله ۱۹۸۰ ایتالیا بر محدوده‌های داخلی کوهستانهای کامپانیا و بسیلی کاتا (مرکز زلزله)، ضمن تأکید بر صدمات فیزیکی و سازمانهای امدادگر و تلاشهای صورت گرفته در زمینه بازسازی، به این نکته اشاره می‌کند که این حادثه، تغییری ژرف و عمیق در ساختار اجتماعی منطقه به وجود آورد. با این همه، نیروهای حاکم اقتصادی و سیاسی از نظر سنتی، سلطه و استیلای خود را مجدداً به دست آورده‌اند. آنچه که برای این ناحیه به طور مثال با ایجاد انجمنهای عمومی، کمیته‌های محله‌ای و تعاونیها آرایش رادیکالی محسوب می‌شد، به واسطه زدوبندهای سیاسی و فساد و انحراف دولت محلی و تجارت به شیوه مافیایی و انحصارات بازار نیروی کار، از طریق سوء استفاده از وجوه و سرمایه امداد و بازسازی به سرعت تغییر یافت [۲۲، صص ۲۰۶-۲۱۲].

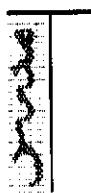




ارزیابی وضعیت جمعیت‌های اسکان‌یافته در اثر اجرای یک پروژه سدسازی در هند یعنی «سد ترکیبی دهام»^۱ بعد از گذشت ۲۰ سال با استفاده از معیارهای کمی که مشخص‌کننده کیفیت زندگی مردم اسکان‌یافته است، نشان می‌دهد که وضعیت مادی مردم ساکن در روستاهای جابه‌جا شده نسبت به گذشته‌شان که درآمد زیادی از زراعت نداشتند، بهتر شده است. مردم دسترسی بهتری به حمل‌ونقل و ارتباطات، آب سالم لوله‌کشی شده، برق، مدارس و کالجها، خدمات بهداشتی، بازارها و سرمایه‌های دارند. برخلاف نظر عموم، هیچ یک از افراد متأثر از پروژه، در فرایند اسکان مجدد، بینوا و تهیدست نشده‌اند. اصولاً بشر بهبودپذیر بوده، قابلیت انطباق با تغییر و فائق آمدن بر مشکلات را دارد [۲۳، صص ۲۳۱-۲۴۸].

ارزیابی آثار اقتصادی فرسایش رودخانه‌ای طی یک دوره ۱۰ ساله در یکی از روستاهای بنگلادش به نام پاچاروئل^۲ موضوع مقاله‌ای است که ناکامی مؤسسات دولتی ذی‌ربط و سازمانهای غیردولتی را در درک پیامدهای شدید اقتصادی مترتب بر روستاهای مشابه وضعیت روستای مورد مطالعه، به نمایش می‌گذارد و ضمن ارائه تحلیل مختصری از دو بُعد عمده فرسایش رودخانه‌ای، یعنی بُعد جغرافیایی و بُعد اقتصادی، با تجزیه و تحلیل تفصیلی از هزینه‌های اقتصادی زارعین برحسب میزان دارایی و محصول از بین رفته، پیامدهای از دست دادن دارایی و محروم شدن از زمینهای زراعی را برحسب امنیت غذایی آینده خانوارها مورد آزمون قرار می‌دهد. براساس نتایج مطالعه تقریباً ۲۰ درصد زمینهای زراعی روستا طی دوره ۱۹۷۹-۱۹۸۹ در فرسایش رودخانه‌ای از بین رفته که این امر باعث کاهش ۵۰ درصدی درآمد زراعی و متأثر شدن ۴۵ درصدی خانوارها شده است. به این ترتیب، ساختار اقتصادی روستاییان تحت تأثیر این نوع از بلایای طبیعی دچار تغییر شد [۲۴، صص ۲۷-۳۲].

«تایر اسکودار» با استفاده از روش مصاحبه‌های تکراری^۳ با خانوارهای یکسان در طول یک دوره زمانی ده ساله، به مطالعه عمیق آثار طرح شتابان ماهاولی^۴ و به عنوان یکی از بزرگترین پروژه‌های توسعه در کشور سریلانکا می‌پردازد. وی طی هشت مورد بررسی از طریق مصاحبه عمیق با ۴۵ خانوار نمونه، اطلاعات بسیار با ارزشی را در زمینه ارزیابی تأثیرات و کارایی نهایی طرح در میان گروههای قومی متأثر از پروژه، شامل بوداییها و مسلمانان سینگال و هندوها و مسلمانان تامیلی که به صور مختلف (مهاجرین به داخل، افراد



1. Dham composite dam
2. Pach Baroil
3. Repeated household interviews
4. Accelerated Mahaweli Programme

جابه‌جا شده توسط دولت و اسکان‌یافتگان خودانگیخته و داوطلب) در ناحیه مورد نظر برنامه ساکن هستند، ارائه می‌دهد. به طور خلاصه، بررسی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد:

- اهداف برنامه واقعی نبوده است.

- درآمد خانوار برای ایجاد آثار چندگانه جهت ایجاد اشتغال و در مواردی تأمین هزینه‌های تولید ناکافی است.

- فقر استمرار یافته و استانداردهای زندگی به دلیل کوچ دادن خانوارها قبل از تکمیل زیرساختهای فیزیکی و بی‌توجهی به «مسائل نسل دوم» تنزل یافته است.

- نرخ خودکشی در میان اسکان‌یافتگان (در جامعه میزبان این نرخ کمتر از گذشته شد) احتمالاً به دلیل عدم توجه کافی به مسائل رفاهی از جمله بی‌توجهی به فشارهای روانی که همراه با بهره‌برداری از زمینهای جدید وجود داشت، بالا رفته است.

- زمینه‌های ستیز میان جامعه میزبان (هندوهای تامیلی زبان و بوداییهای سینگال) و جوامع میهمان وجود دارد [۲۵، صص ۲۲-۵۵].

«مارتا تاماکلوه» تأثیرات بلند مدت اسکان مجدد را در تجربه سدسازی «آکوسومبو» در کشور افریقایی غنا و ایجاد چندین شهرک که به واسطه جابه‌جایی روستاهای متأثر از پروژه به وجود آمدند، مورد مطالعه قرار داده است. بروز تنشهای قومی، کاهش همبستگی اجتماعی، تغییر بافت جمعیتی به دلیل مهاجرت برخی اسکان‌یافتگان، ایجاد تغییرات اکولوژیکی ناشی از فشار جمعیت بر منابع موجود، بروز مشکلات بهداشتی، ناکامی در برنامه‌های زراعی به دلیل فقدان برنامه‌ریزی برای تحصیل زمین پیش از رسیدن جمعیتهای جابه‌جا شده، عدم دسترسی به منابع مالی، بلندپروازی برنامه و فقدان آموزش لازم به جمعیت اسکان یافته در زمینه شیوه‌های نوین بهره‌برداری، از جمله نتایج این بررسی است. این امر به گونه‌ای است که بعد از ۲۵ سال که از اجرای طرح می‌گذرد، هنوز درد و رنج انسانی در شهرکهای اسکان مجدد وجود دارد. برخی اسکان‌یافتگان توانایی برنامه‌ریزی برای آتیه را ندارند. طی این دو دهه، حالتها متفاوت از قبل شده و نوعی حالت افسردگی در برخی شهرکها حاکم است. برخی از مردم دیدگاه خوشبینانه‌ای نسبت به آینده ندارند، ولی منتظر دریافت کمک از سوی دولت هستند [۲۶، صص ۱۰۰-۱۰۹].

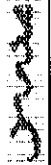
با عنایت به آنچه آمد، می‌توان تأثیرات احتمالی کاربرد ادغام روستاها در بعد اقتصادی را برابر جدول ۱ نشان داد.





جدول ۱ تأثیرات احتمالی کاربرد ادغام روستاها از بعد اقتصادی

اثر احتمالی	ابعاد فرعی	بعد اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - حرکت به سمت تشکیل اقتصاد چند نقشی - جایگزینی اقتصاد تجاری به جای اقتصاد معیشتی و خودکفا - ایجاد زمینه مناسب برای استفاده از صرفه‌های ناشی از مقیاس - افزایش کارایی و بهره‌وری نیروی کار - ارتقای سطح زندگی و رفاه عمومی - ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر به ویژه در زمینه خدمات - مقروض شدن خانوارها به نظام بانکی به دلیل هزینه آماده سازی - افزایش فاصله طبقاتی و ظهور طبقه کارفرما در بین جامعه میزبان 	ساختار اقتصاد کلان	اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> - کاهش سهم اشتغال بخش کشاورزی - افزایش سهم اشتغال خدمات - افزایش سهم اشتغال بخش عمومی (دولتی) - افزایش اشتغال به صورت کارگری - افزایش بیکاری فصلی 	ساختار شغلی	
<ul style="list-style-type: none"> - کاهش تولیدات کشاورزی به ویژه محصولات دامی - افزایش تولید صنایع دستی - تغییر شیوه تولید از معیشتی به تجاری 	ساختار تولید	
<ul style="list-style-type: none"> - رواج مصرف گرایی در زمینه محصولات غذایی - افزایش مصرف محصولات وارداتی شهری (صنعتی و پوشاک) 	ساختار مصرف	
<ul style="list-style-type: none"> - حذف و هدر رفتن منابع قدیمی تولید - ایجاد منابع جدید - افزایش فشار بر روی منابع جدید 	ساختار منابع	



۴- روش تحقیق

روش‌شناسی مقاله حاضر که با هدف ارزیابی وضعیت پایداری و در ارتباط با آزمون فرضیه است، روش توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات به دست آمده از خانوارهای سه روستای واقع در مجموعه ادغامی، براساس دو روش کمی و کیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آنجا که مقاله عمدتاً بر ارزیابی پایداری و سنجش میزان قدرت انطباق جوامع جابه‌جا شده با شرایط جدید محیطی تأکید دارد، ابتدا در سطح توصیفی از طریق سازماندهی اطلاعات و تلفیق داده‌های کمی و کیفی، آنها را طبقه‌بندی کرده، حاصل کار در سطح تحلیلی

برای آزمون فرضیه مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به اینکه اکثر اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه به صورت طیفهای نظرسنجی است، برای تحلیل آماری علاوه بر جداول توافقی و آماره کای اسکور، بسته به نوع داده‌ها و هدف تحقیق در زمینه مقایسه وضعیت قبل و بعد از ادغام روستاها، از آزمون ناپارامتری مک نمار استفاده شده است. تحلیل گویه‌ها نیز که براساس طیف لیکرت تهیه شده، با بهره‌گیری از روش تصحیح کرونباخ و اطمینان از میزان «پایداری درونی»^۱ آنها با سودجستن از جداول توافقی و آماره‌های مناسب، انجام پذیرفت. ارزیابی وضعیت اقتصادی جامعه مورد مطالعه براساس سه شاخص اصلی و نشانگرهای مربوط طی دو دوره قبل و بعد از اسکان مجدد، صورت می‌گیرد. این شاخصها عبارتند از:

الف) وضعیت بهره‌برداری از منابع شامل زمین زراعی، تعداد دام و تعداد کندوی زنبور عسل؛

ب) تغییر زمینه‌های فعالیت، شامل میزان اشتغال، میانگین مدت اشتغال سرپرست خانوار، تعداد شاغلین خانوار، نوع شغل، اشتغال زنان در خارج از خانه، فاصله محل کار زنان شاغل و میانگین دستمزدها؛ و

ج) تغییر الگوی مصرف خانوار مشتمل بر میزان محصولات تولیدی خانوار و نحوه هزینه شدن وامهای دریافتی.

در مقاله حاضر، جامعه آماری عبارت است از خانوارهای ساکن در مجموعه ادغامی آب‌بر که بعد از وقوع زلزله خرداد ۱۳۶۹ و به دنبال جابه‌جایی و اسکان مجدد خانوارهای دو روستای تخریب شده بالکلور و جمال‌آباد (به عنوان جامعه میهمان) در روستای آب‌بر (جامعه میزبان) شکل گرفته است. برای برآورد تعداد نمونه مورد نیاز، فرمول کوکران به کار گرفته شد. بنابراین با در نظر گرفتن تعداد ۹۲۲ خانوار ساکن در مجموعه ادغامی و نسبت میان جامعه میزبان و میهمان، سطح اطمینان ۹۵ درصد و ضریب خطای ۰/۰۵، تعداد ۱۹۴ نمونه انتخاب شد.

بر این اساس و با توجه به بافت شطرنجی محل اسکان جمعیت میهمان، انتخاب ۵۴ نمونه از روستای بالکلور به صورت تصادفی و از روی پلاک خانه‌های مسکونی انجام شد. به دلیل مهاجرت اکثر خانوارهای روستای جمال‌آباد به شهر رشت و حضور تعداد اندکی از آنها در



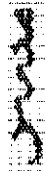
محل مجموعه، پرسشنامه به صورت تمام شماری از ۱۰ خانوار باقیمانده جمال‌آبادی تکمیل شد. نحوه انتخاب ۱۳۰ نمونه جامعه میزبان نیز به جهت توزیع ناممگون در پنج محله قدیمی و یک محله جدید با استفاده از آمار تقریبی خانوارهای هریک از محلات و به شیوه کاملاً تصادفی صورت گرفت.

۵- تجزیه و تحلیل

۵-۱- امکانات اقتصادی

بررسی امکانات اقتصادی اجتماعات آسیب‌دیده قبل و بعد از ادغام، شامل زمین زراعی، تعداد درختان مثمر، تعداد واحدهای دامی و تعداد کندوی زنبور عسل، مشخص می‌سازد که از نظر کمی، تغییری در میزان زمین زراعی ایجاد نشده، اما از نظر بهره‌برداری فعلی، نزدیک به ۹۶ درصد این امکان مربوط به جامعه میهمان، بلااستفاده رها شده است. از سوی دیگر به دلیل رونق زیتون‌کاری در روستاهای حاشیه رودخانه قزل‌اوزن در چند سال اخیر، تعداد درختان مثمر تحت مالکیت اعضای جامعه میزبان رشد چشمگیری داشته، لکن در جامعه میهمان از همان تعداد اندک درخت موجود که از تخریب زلزله مصمون مانده‌اند نیز استفاده چندانی صورت نمی‌گیرد و تنها بخشی از آنها به صورت اجاره توسط خانوارهایی که به صورت دومکانه در محل قبلی سکونت دارند و یا آمد و رفت می‌کنند، بهره‌برداری می‌شوند. مقایسه متوسط تعداد درختان مثمر خانوارهای جامعه میزبان بیانگر روند رو به رشد آن است (جدول ۲ و ۳).

دامداری که قبلاً به عنوان یکی از اشتغالات اصلی جامعه میهمان مطرح بود و نزدیک به نیمی از خانوارها بیشتر از ۵۰ واحد دامی در اختیار داشتند، در حال حاضر به صورت بسیار اندک و در حد نگهداری چند دام کوچک و برای مصرف داخلی انجام می‌شود. طبق اطلاعات موجود تنها ۱۷ خانوار از جامعه میهمان با احداث محل نگهداری دام در مجاورت قسمت شمالی مجموعه ادغامی، اقدام به راه‌اندازی فعالیت پروراندی کرده، به عنوان شغل اصلی بدان اشتغال دارند. در بین جامعه میزبان نیز نگهداری دام به صورت خانگی رواج داشته، ولی تعداد متوسط آن از ۱۵ واحد دامی تجاوز نمی‌کند. وضعیت بهره‌برداری از واحدهای دامی در جامعه میهمان از فروش ۸۰ درصد دامها بعد از وقوع زلزله حکایت دارد؛ در حالی که با توجه به صدمات کمتری که در آن زمان به امکانات نگهداری دام در روستای آب‌بر



جدول ۲ زمین زراعی خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

زمین زراعی	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
دو هکتار و کمتر	تعداد	۱۱۱	۱۱۱	۲۵	۴۶	۱۵۶	۱۵۷
	درصد	۸۶/۰	۸۶/۰	۷۰/۳	۷۱/۹	۸۰/۸	۸۱/۳
۳-۵ هکتار	تعداد	۱۴	۱۴	۱۴	۱۳	۲۸	۲۷
	درصد	۱۰/۹	۱۰/۹	۲۱/۹	۲۰/۳	۱۴/۵	۱۴/۰
۶-۸ هکتار	تعداد	۳	۳	۲	۲	۵	۵
	درصد	۲/۳	۲/۳	۳/۱	۳/۱	۲/۶	۲/۶
۹ هکتار و بیشتر	تعداد	۱	۱	۳	۳	۴	۴
	درصد	۰/۸	۰/۸	۴/۷	۴/۷	۲/۱	۲/۱
مجموع	تعداد	۱۲۹	۱۲۹	۶۴	۶۴	۱۹۳	۱۹۳

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

جدول ۳ تعداد درختان مثمر خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

تعداد درخت مثمر	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
۱۵ اصله و کمتر	تعداد	۵۱	۴۴	۱۹	۴۰	۷۰	۸۴
	درصد	۳۹/۵	۳۴/۱	۲۹/۷	۶۲/۵	۳۶/۳	۴۳/۵
۱۶-۳۵ اصله	تعداد	۲۶	۲۰	۱۹	۱۶	۳۵	۳۶
	درصد	۲۰/۲	۱۵/۵	۲۹/۷	۲۵	۲۳/۳	۱۸/۷
۳۶-۲۰۰ اصله	تعداد	۴۱	۵۱	۲۲	۸	۶۲	۵۹
	درصد	۳۱/۸	۳۹/۵	۳۴/۴	۱۲/۵	۳۲/۶	۳۰/۶
۲۰۱ اصله و بیشتر	تعداد	۱۱	۱۴	۴	۰	۱۵	۱۴
	درصد	۸/۵	۱۰/۹	۶/۳	۰	۷/۸	۷/۳
مجموع	تعداد	۱۲۹	۱۲۹	۶۴	۶۴	۱۹۳	۱۹۳

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



وارد آمده بود، تنها ۴۰ درصد از دامها به صورت اضطراری به فروش رفت. متوسط واحد دامی هر خانوار در جامعه میزبان از ۱۶ به ۶/۵ واحد دامی و در جامعه میهمان از ۶۵ به ۲۶ واحد دامی تغییر یافته است (جدول ۴).

جدول ۴. تعداد واحد دامی خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

تعداد واحد دامی	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
۱۵ واحد و کمتر	تعداد	۹۹	۱۱۵	۱۳	۵۴	۱۱۲	۱۶۹
	درصد	۷۶/۷	۸۹/۱	۲۰/۳	۸۴/۴	۵۸/۰	۸۷/۶
۱۶-۵۰ واحد	تعداد	۱۶	۱۰	۱۸	۵	۳۴	۱۵
	درصد	۱۲/۴	۷/۸	۲۸/۱	۷/۸	۱۷/۶	۷/۸
۵۱-۱۰۰ واحد	تعداد	۹	۳	۲۴	۲	۳۳	۵
	درصد	۷/۰	۲/۳	۳۷/۵	۳/۱	۱۷/۱	۲/۶
۱۰۱ واحد و بیشتر	تعداد	۵	۱	۹	۳	۱۴	۴
	درصد	۳/۹	۰/۸	۱۴/۱	۴/۷	۷/۳	۲/۱
	تعداد	۱۲۹	۱۲۹	۶۴	۶۴	۱۹۳	۱۹۳

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، تغییر میزان فعالیت زنبورداری در آبر قبل و بعد از ادغام کاملاً مشهود است، لکن رونق‌یابی این فعالیت در بین اهالی جامعه میهمان بسیار مشخص است. این موضوع به شیوه زنبورداری سنتی رایج که در آن نیاز چندانی به نیروی کار نیست مربوط می‌شود. در شرایط کنونی، این امکان از طریق کمک و همیاری اقوامی که به صورت دومکانه در محل سابق فعالیت دارند، استمرار و حتی گسترش یافته است. برخلاف دام، میزان فروش اضطراری کندوهای زنبور بعد از وقوع زلزله بسیار اندک بوده و این خود امکان استمرار مجدد فعالیت را فراهم کرده است. با این همه، متوسط تعداد کندوی هر خانوار جامعه میهمان از ۱۹ کندو به ۱۰ کندو و در جامعه میزبان از ۵ کندو به ۱ کندو تنزل یافته است. به هر حال، درآمد حاصل از فروش بخشی از عسل تولیدی، کمک هزینه مناسبی برای خانوارهای اسکان یافته محسوب می‌شود (جدول ۵). جدول ۶ وضعیت بهره‌برداری از منابع اقتصادی را به تفکیک دو جامعه در قبل و بعد از ادغام نشان می‌دهد.

جدول ۵ تعداد کندوی زنبور عسل خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

تعداد کندو	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
۱۰ جعبه و کمتر	تعداد	۱۲۹	۱۲۱	۴۲	۵۴	۱۶۲	۱۸۳
	درصد	۹۲/۸	۱۰۰	۶۵/۶	۸۴/۴	۸۴/۵	۹۴/۸
۱۱-۳۰ جعبه	تعداد	۱	۰	۹	۲	۱۰	۲
	درصد	۰/۸	-	۱۴/۱	۳/۱	۵/۲	۱/۰
۳۱-۷۰ جعبه	تعداد	۴	۰	۸	۵	۱۲	۵
	درصد	۳/۱	-	۱۲/۵	۷/۸	۶/۲	۲/۶
۷۱ جعبه و بیشتر	تعداد	۳	۰	۵	۳	۸	۳
	درصد	۲/۳	-	۷/۸	۴/۷	۴/۱	۱/۶
مجموع	تعداد	۱۲۹	۱۲۹	۶۴	۶۴	۱۹۲	۱۹۳
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

جدول ۶ وضعیت بهره‌برداری از امکانات کشاورزی در حال حاضر

وضعیت بهره‌برداری	متغیر	زمین زراعی			درختان مثمر			دام			کندوی زنبور		
		مجموعه ادغامی	جامعه میهمان	جامعه میزبان	مجموعه ادغامی	جامعه میهمان	جامعه میزبان	مجموعه ادغامی	جامعه میهمان	جامعه میزبان	مجموعه ادغامی	جامعه میهمان	جامعه میزبان
بلا استفاده	ت	۱۵	۴۵	۶۰	۲	۷	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴
	%	۱۷/۶	۹۵/۷	۴۵/۵	۳/۲	۱۳/۲	۶/۸	-	-	-	-	-	۱۱/۴
در حال بهره‌برداری	ت	۶۳	۱	۶۴	۸۷	۳۰	۱۱۷	۲۱	۱۰	۳۱	۰	۰	۱۰
	%	۷۴/۱	۲/۱	۴۸/۵	۹۲/۶	۵۶/۶	۷۹/۶	۵۶/۸	۱۸/۲	۳۳/۷	۲۲/۷	۰	۲۸/۶
فروخته شده	ت	۲	۰	۲	۲	۰	۲	۱۵	۲۴	۵۹	۳	۲	۵
	%	۲/۴	-	۱/۵	۲/۱	-	۱/۴	۴۰/۵	۸۰	۶۴/۱	۳۳/۳	۷/۷	۱۴/۳
اجاره داده شده	ت	۳	۰	۳	۲	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۱
	%	۳/۵	-	۲/۳	۲/۱	-	۱/۴	۲/۷	-	-	-	-	۲/۹
تخریب در زلزله	ت	۲	۱	۳	۰	۱۶	۱۶	۱	۱	۲	۶	۹	۱۵
	%	۲/۴	۲/۱	۲/۳	-	۳۰/۲	۳۰/۲	۳۰/۲	۲/۷	۱/۸	۲/۲	۳۳/۶	۴۲/۹
مجموع	ت	۸۵	۴۷	۱۳۲	۹۴	۵۳	۱۴۷	۳۷	۵۵	۹۲	۹	۲۶	۲۵
	%	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



۵-۲- اشتغال

بعد از گذشت یک دهه از اسکان مجدد جمعیت آسیب دیده در مکان جدید، مقایسه اطلاعات مربوط به وضعیت شغلی سرپرست خانوار قبل و بعد از ادغام، بیانگر کاهش تعداد افراد شاغل و افزایش تعداد از کارافتادگان است (جدول ۷). اگر میانگین مدت اشتغال به کار سرپرست خانوار در جامعه میهمان، قبل و بعد از ادغام مورد مقایسه قرار گیرد، مشخص می‌شود که این مقدار از حدود ۹ ماه در سال به کمتر از ۸ ماه کاهش یافته، در حالی که رقم مشابه در جامعه میزبان تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهد (جدول ۸). به رغم اینکه اطلاعات مندرج در جدول ۸ به نوعی بیانگر افزایش نسبت افراد با دوره زمانی بیش از ۱۰ ماه اشتغال و بیشتر در جامعه میهمان است، لکن مقادیر انحراف معیار جدول ۹ مبنی بر پراکندگی بیشتر داده‌ها از میانگین، موضوع را تأیید کرد.

جدول ۷ مقایسه وضعیت شغلی سرپرست خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

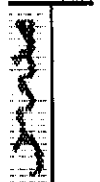
وضعیت شغلی سرپرست	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
شاغل	تعداد	۱۲۳	۱۱۰	۶۴	۵۴	۱۸۷	۱۶۴
	درصد	۹۴/۶	۸۴/۶	۱۰۰	۸۴/۴	۹۶/۴	۸۴/۵
بیکار	تعداد	۶	۲	۰	۰	۶	۲
	درصد	۴/۶	۱/۵	-	-	۳/۹	۱/۰
از کار افتاده	تعداد	۱	۱۸	۰	۱۰	۱	۲۸
	درصد	۰/۸	۱۳/۸	-	۱۵/۶	۰/۵	۱۴/۴
مجموع	تعداد	۱۳۰	۱۳۰	۶۴	۶۴	۱۹۴	۱۹۴
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

جدول ۸ مقایسه میانگین مدت اشتغال سرپرست خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

محدوده	مدت اشتغال قبل از ادغام			مدت اشتغال بعد از ادغام		
	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار
جامعه میزبان	۱۰/۰۶	۱۲۳	۲/۶۸	۹/۹۲	۱۱۴	۳/۲۷
جامعه میهمان	۸/۹۳	۶۳	۲/۷۵	۷/۷۴	۵۴	۳/۳۰
کل مجموعه	۹/۳۸	۱۸۶	۲/۷۸	۸/۹۵	۱۶۸	۳/۲۳

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



جدول ۹ مدت اشتغال سرپرست خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام به تفکیک جوامع

مدت اشتغال (در سال)	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
کمتر از ۴ ماه	تعداد	۶	۱۱	۴	۱۰	۱۰	۲۱
	درصد	۴/۹	۹/۸	۶/۳	۱۸/۵	۵/۴	۱۲/۷
۹-۵ ماه	تعداد	۴۲	۲۷	۲۸	۲۵	۸۰	۵۲
	درصد	۳۴/۱	۲۴/۱	۶۰/۳	۴۶/۳	۴۳/۰	۳۱/۳
۱۰ ماه و بیشتر	تعداد	۷۵	۷۴	۲۱	۱۹	۹۶	۹۳
	درصد	۶۱/۰	۶۶/۱	۲۳/۲	۳۵/۲	۵۱/۶	۵۶/۰
مجموع	تعداد	۱۲۳	۱۱۲	۶۳	۵۴	۱۸۶	۱۶۶
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

اکثر خانوارها تنها یک نفر شاغل دارند. این موضوع قبل و بعد از ادغام و در هر دو جامعه عمومیت دارد. با این حال نسبت خانوارهای با ۲ تا ۳ نفر شاغل در هر دو جامعه رو به افزایش است. البته این روند در جامعه میهمان با سرعت بیشتری صورت گرفته است. وجود خانوارهای با ۴ نفر شاغل و بیشتر در این جامعه مؤید تراکم نیروی کار در برخی خانوارهای اسکان یافته است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰ تعداد شاغلین خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام به تفکیک جوامع

تعداد شاغلین خانوار	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
یک نفر و کمتر	تعداد	۱۱۵	۱۱۱	۵۹	۵۳	۱۷۴	۱۶۴
	درصد	۸۸/۵	۸۵/۴	۹۲/۲	۸۲/۸	۸۹/۷	۸۴/۵
۲-۳ نفر	تعداد	۱۴	۱۸	۵	۸	۱۹	۲۶
	درصد	۱۰/۸	۱۳/۸	۷/۸	۱۲/۵	۹/۸	۱۳/۴
چهار نفر و بیشتر	تعداد	۱	۱	۰	۳	۱	۴
	درصد	۸/۰	۸/۰	۰	۴/۷	-/۵	۲/۱
مجموع	تعداد	۱۳۰	۱۳۰	۶۴	۶۴	۱۹۴	۱۹۴
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



مقایسه نوع اشتغال در قبل و بعد از ادغام نشان می‌دهد که از نسبت شاغلین در امور کشاورزی در هر دو جامعه کاسته شده است. روند این کاهش در جامعه میهمان به دلیل از دست رفتن امکانات اقتصادی در محل قبلی از شدت بیشتری برخوردار است. در عین حال در جامعه میزبان، اشتغال در فعالیتهای بخش دولتی روند رو به رشدی داشته است، به طوری که از ۲۷ درصد به ۳۸/۵ درصد افزایش یافته و در مقابل از میزان اشتغال در فعالیتهای کارگری و خدمات عمومی کاسته شده است. از طرف دیگر، روند اشتغال در فعالیتهای کارگری در جامعه میهمان بسیار بالا رفته است (جدول ۱۱).

جدول ۱۱ مقایسه نوع شغل سرپرست خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

نوع شغل سرپرست	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
کشاورزی	تعداد	۵۱	۳۷	۴۰	۱۴	۹۱	۵۱
	درصد	۴۱/۱	۲۳	۶۲/۵	۲۵/۹	۴۸/۴	۳۰/۷
خدمات عمومی	تعداد	۲۱	۲۰	۲	۵	۲۵	۲۵
	درصد	۱۶/۹	۱۷/۹	۶/۳	۹/۳	۱۳/۳	۱۵/۱
کارگری	تعداد	۱۷	۱۰	۲۰	۲۵	۳۷	۲۵
	درصد	۱۳/۷	۸/۹	۳۱/۳	۶۴/۹	۱۹/۷	۲۷/۱
خدمات دولتی	تعداد	۳۵	۴۵	-	-	۳۵	۴۵
	درصد	۲۸/۲	۳۰/۲	-	-	۱۸/۶	۲۷/۱

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



ضمناً تأثیرات ادغام بر وضعیت اشتغال از طریق طرح ۹ گویه مورد سنجش قرار گرفت. از مجموع این گویه‌ها، در بین جامعه میزبان به طور متوسط ۱۴/۸ درصد موافق و ۴ درصد مخالف اثرگذاری ادغام در وضعیت اشتغال هستند و البته نظر ۷۱/۲ درصد نیز بینابین است، در حالی که پاسخگویان جامعه میهمان با نسبت بالایی نظر بینابینی را مطرح می‌کنند (جدول ۱۲). از این گذشته، اشتغال جنبی اکثریت جامعه میزبان معطوف به کشاورزی است. دلیل این گرایش، گسترش فعالیتهای باغداری و رونق‌یابی زیتون‌کاری در منطقه طارم‌علیا است، در حالی که همین روند را به جهت تمایل روستاییان برای بهره‌برداری از منابع رها شده در مکان قبلی در جامعه میهمان شاهد هستیم. از طرف دیگر، دلایل عدم استمرار شغل قبلی در

جدول ۱۲ توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب پاسخهای داده شده به گویه‌های اثر ادغام بر وضعیت اشتغال

ردیف	عنوان گویه	نظرها	آب‌بر	باکلور	جمال آباد	مجموعه ادغامی
۱	بعضی می‌گویند قبلاً با اینکه درآمدمان پایین بود، ولی مخارج هم کم بود، ولی الان هم درآمد کمتر شده و هم مخارج بیشتر.	موافق	۷۷/۳	۸۹/۱	۷۷/۸	۸۰/۷
		بینابین	۱۴/۱	۱۰/۹	۲۲/۲	۱۳/۵
		مخالف	۸/۶	۰	۰	۵/۷
۲	قبلاً از چند جا درآمد داشتیم، الان همه را از دست داده‌ایم.	موافق	۲۵/۹	۸۳/۶	۶۶/۷	۵۱
		بینابین	۲۵	۹/۱	۲۳/۳	۲۰/۸
		مخالف	۳۹/۱	۷/۳	۰	۲۸/۱
۳	قبلاً خودمان تولید می‌کردیم و خودمان همانها را مصرف می‌کردیم، الان همه چیز را باید خرید.	موافق	۵۴/۳	۹۲/۷	۸۸/۹	۶۷
		بینابین	۲۹/۱	۵/۵	۱۱/۱	۲۱/۵
		مخالف	۱۶/۵	۱/۸	۰	۱۱/۵
۴	بعضیها می‌گویند از کشاورزی درآمد بخور و نمیری داشتیم، ولی الان درآمدمان نسبتاً بهتر شده است.	موافق	۱۷/۸	۹/۱	۰	۱۳/۵
		بینابین	۳۴/۱	۱۸/۲	۲۲/۲	۲۹
		مخالف	۴۸/۱	۷۲/۷	۷۷/۸	۵۶/۵
۵	قبلاً فقط مردها کار می‌کردند، ولی الان برای زنها هم کار با مزد زیاد وجود دارد.	موافق	۴۴/۲	۱۸/۲	۲۲/۲	۲۵/۸
		بینابین	۳۴/۱	۳۶/۴	۱۱/۱	۲۳/۷
		مخالف	۲۱/۷	۴۵/۵	۶۶/۷	۳۰/۶
۶	درآمد کارگری الان خیلی بیشتر شده و نیاز چندانی برای رفتن به شهرهای دیگر نداریم.	موافق	۲۳/۸	۱/۸	۰	۱۶/۳
		بینابین	۳۲/۵	۱۰/۹	۳۳/۳	۲۶/۳
		مخالف	۴۳/۷	۸۷/۳	۶۶/۷	۵۷/۴
۷	با پولی که از کارگری درمی‌آید، همه نیازهای مصرفی خودمان را می‌خریم.	موافق	۱۴/۸	۲۱/۴	۰	۱۲/۵
		بینابین	۲۵/۸	۱۰/۹	۲۲/۲	۲۱/۳
		مخالف	۵۹/۴	۸۰	۷۷/۸	۶۶/۱
۸	انان هزینه‌ها خیلی بالا است و درآمد ما به سختی کفاف خرج زندگی را می‌کند.	موافق	۷۶	۹۰/۹	۱۰۰	۸۱/۳
		بینابین	۱۵/۵	۵/۵	۰	۱۱/۹
		مخالف	۸/۵	۳/۶	۰	۶/۷
۹	چون مخارج خیلی بالا است باید زمینهای کشاورزی را در روستای قبلی بکاریم.	موافق	۴۲/۹	۵۰/۹	۵۵/۶	۵۰/۷
		بینابین	۵۷/۱	۳۲/۷	۱۱/۱	۳۲/۴
		مخالف	۰	۱۶/۴	۳۳/۳	۱۶/۹
میانگین از ۹ گویه	موافق	۲۴/۸	۱/۸	۱۱/۱	۱۷/۵	
	بینابین	۷۱/۲	۹۶/۴	۸۸/۹	۷۹/۴	
	مخالف	۴	۱/۸	۰	۲/۲	

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



بین اندک تغییرات شغلی جامعه میزبان به دو عامل ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و نبود صرفه اقتصادی برمی‌گردد؛ در حالی که دو عامل بعد مسافت و عدم وجود صرفه اقتصادی، مهمترین دلایل ادامه ندادن به شغل قبلی نزد پاسخگویان جامعه میهمان عنوان شده است. بررسی روند تغییر کیفیت اشتغال از ابعاد مختلف، همچون ثبات شغلی، رضایتمندی از شغل جدید و میزان درآمد و نیز ثبات درآمدی و جهت این تغییرات، مشخص می‌کند که بجز در دو مورد - یعنی ثبات شغلی و ثبات درآمدی قبل از ادغام - که وضعیت جامعه میزبان با سطح معناداری ۰/۴۹۹ و ۰/۴۸۵ بهبود پیدا کرده، در بقیه موارد وضعیت خانوارهای هر دو جامعه بعد از ادغام با سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد دچار نقصان شده است. به عبارت دیگر، بعد از ادغام روستاها، ثبات شغلی، رضایتمندی از شغل، رضایت از میزان درآمد و ثبات درآمدی خانوارهای جامعه میهمان کمتر شده است و این وضعیت بجز در دو مورد پیش گفته، به خانوارهای جامعه میزبان نیز قابل تعمیم است (جدول ۱۳ تا ۱۶).

جدول ۱۳ آزمون رابطه میان اسکان مجدد و ثبات شغلی خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

آزمون کای اسکور			ثبات شغلی بعد از ادغام		آزمون مکنمار		
			مجموع	ندارد			دارد
نتیجه	سطح معناداری	میزان آماره					
رد فرض صفر	۰/۰۰۱	۱۰/۷۲۰	۷۲	۱۸	۵۴	ندارد	ثبات شغلی قبل از ادغام (مجموعه ادغامی)
			۱۱۶	۷۱	۴۵	دارد	
			۱۸۸	۸۹	۹۹	مجموع	
تأیید فرض صفر	۰/۴۸۵	۰/۴۸۵	۴۷	۱۴	۳۳	ندارد	ثبات شغلی قبل از ادغام (جامعه میزبان)
			۷۸	۵۹	۱۹	دارد	
			۱۲۵	۷۳	۵۲	مجموع	
رد فرض صفر	۰/۰۰۰	۱۴/۷۰۰	۲۵	۴	۲۱	ندارد	ثبات شغلی قبل از ادغام (جامعه میهمان)
			۳۸	۱۲	۲۶	دارد	
			۶۳	۱۶	۴۷	مجموع	

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



جدول ۱۴ آزمون رابطه میان اسکان مجدد و رضایت شغلی خانوارهای نمونه مجموعه ادغامی قبل و بعد از ادغام

آزمون کای اسکور			مجموع	رضایت از شغل بعد از ادغام		آزمون مکنمار	
نتیجه	سطح معناداری	میزان آماره		ندارد	دارد		
رد فرض صفر	۰/۰۰۰	۲۲/۳۲۹	۷۷	۱۸	۵۹	ندارد	رضایت از شغل قبل از ادغام (مجموعه ادغامی)
			۱۱۱	۵۰	۶۱	دارد	
			۱۸۸	۶۸	۱۲۰	مجموع	
رد فرض صفر در سطح اطمینان ۹۰ درصد	۰/۰۵۵	۳/۶۷۴	۵۷	۱۶	۴۱	ندارد	رضایت از شغل قبل از ادغام (جامعه میزبان)
			۶۸	۳۸	۳۰	دارد	
			۱۲۵	۵۴	۷۱	مجموع	
رد فرض صفر	۰/۰۰۰	۲۳/۷۵۸	۲۰	۲	۱۸	ندارد	رضایت از شغل قبل از ادغام (جامعه میهمان)
			۲۳	۱۲	۳۱	دارد	
			۶۳	۱۴	۴۹	مجموع	

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

جدول ۱۶ آزمون رابطه میان اسکان مجدد و ثبات درآمدی خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

آزمون کای اسکور			مجموع	ثبات درآمدی بعد از ادغام		آزمون مکنمار	
نتیجه	سطح معناداری	میزان آماره		دارد	ندارد	ثبات درآمدی قبل از ادغام (مجموعه ادغامی)	ندارد
رد فرض صفر	۰/۰۰۰	۱۳/۵۶۵	۹۷	۱۶	۸۱	ندارد	ثبات درآمدی قبل از ادغام (مجموعه ادغامی)
			۸۹	۳۳	۴۶	دارد	
			۱۸۶	۵۹	۱۲۷	مجموع	
تأیید فرض صفر	۰/۳۹۹	۰/۳۵۷	۶۸	۱۵	۵۳	ندارد	ثبات درآمدی قبل از ادغام (جامعه میزبان)
			۵۶	۳۶	۲۰	دارد	
			۱۲۴	۵۱	۷۳	مجموع	
رد فرض صفر	۰/۰۰۰	۲۱/۳۳۳	۲۹	۱	۲۸	ندارد	ثبات درآمدی قبل از ادغام (جامعه میهمان)
			۳۳	۷	۲۶	دارد	
			۶۲	۸	۵۴	مجموع	

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

۵-۳- اشتغال زنان

یکی دیگر از تأثیرات ادغام روستاها در نمونه مورد مطالعه، وضعیت اشتغال به کار زنان در بیرون از خانه و فضای اقتصاد معیشتی خانوار است. به رغم اینکه زنان در تولید و بازتولید اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی نقش کلیدی ایفا می‌کنند و سهم انکارناپذیری در اقتصاد کشاورزی و ارتباط آن با مدیریت منابع طبیعی دارند (قلفی، ۱۳۷۸: ۴)، نقش آنان به عنوان کارگران روزمزد در مکانی غیر از محل سکونت، نکته ویژه‌ای است که شرایط خاص بعد از ادغام آن را به اجتماع آسیب دیده تحمیل کرده است. همان گونه که اطلاعات ارائه شده در جدول ۱۷ نشان می‌دهد، به استثنای انجام کارهای منزل، کمک در کارهای کشاورزی بالاترین زمینه فعالیتی زنان در جامعه میهمان قبل از ادغام را تشکیل می‌دهد، در حالی که بعد

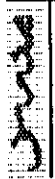


از ادغام و به دلیل مشکلات اقتصادی، عدم کفایت درآمد مردان و بالابودن هزینه زندگی، روی آوردن زنان به کار در مزارع روستاهای اطراف امری است که با همه تعارضاتی که با نظام ارزشی جامعه اسکان یافته دارد، به جهت درآمد نسبتاً خوب آن، مورد اقبال قرار گرفته و بعضاً دستیابی به این کار موجب رقابت آنان با یکدیگر می‌شود.

جدول ۱۷ زمینه‌های فعالیت زنان شاغل خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

فعالیت زنان	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
انجام کارهای خانه	تعداد	۸۳	۸۸	۲۷	۴۲	۱۱۰	۱۳۰
	درصد	۷۳/۵	۷۳/۹	۴۴/۳	۷۰/۰	۶۲/۲	۷۲/۶
کمک در امور کشاورزی	تعداد	۲۴	۱۶	۲۴	۵	۵۸	۲۱
	درصد	۲۱/۲	۱۳/۵	۵۵/۷	۸/۳	۲۲/۳	۱۲/۳
کارگری	تعداد	۱	۱	۰	۱۳	۱	۱۴
	درصد	۰/۹	۰/۸	-	۲۱/۷	۰/۶	۹/۰
اشتغال دولتی	تعداد	۵	۱۴	۰	۰	۵	۱۴
	درصد	۴/۴	۱۱/۸	-	-	۲/۹	۷/۸
مجموع	تعداد	۱۱۳	۱۱۹	۶۱	۶۰	۱۷۴	۱۷۹
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



موضوع اشتغال به کار زنان در خارج از خانه به شکلی دیگر در جامعه میزبان جریان دارد، به طوری که به رغم کاهش نسبت فعالین زن در امور کشاورزی خانوار، درصد زنان شاغل در بخش خدمات دولتی با حدود ۴ برابر رشد، از ۴/۴ درصد در قبل از ادغام در حال حاضر به ۱۲ درصد بالغ می‌شود. به عبارت دیگر، ادغام روستاها در مورد افزایش نسبت اشتغال زنان در فعالیتهای عمومی اقتصادی هر دو جامعه به صورت مثبت تأثیرگذار بوده، لکن این اثرگذاری در جامعه میزبان در جهت بالا رفتن تصدی مشاغل دولتی و در جامعه میهمان به شکل اشتغال در کارگری زراعی تظاهر یافته است.

نگاهی به اطلاعات جدول ۱۸ مشخص می‌کند که هر زن شاغل در جامعه میزبان پیش از ادغام به طور متوسط ۲/۳ کیلومتر برای رسیدن به محل کار خود تردد می‌کرده، در حالی که

این مقدار در حال حاضر به ۱/۴ کیلومتر کاهش یافته است، در صورتی که محل کار زنان شاغل جامعه میهمان به طور متوسط ۹/۶ کیلومتر از آب‌بر فاصله دارد. از سوی دیگر، میانگین دوره اشتغال به کار زنان شاغل جامعه میهمان در شرایط فعلی ۵ ماه است، در حالی که این رقم برای زنان شاغل جامعه میزبان به جهت اشتغال در بخش دولتی به طور متوسط ۱۱/۴ ماه در سال برآورد می‌شود (جدول ۱۹).

جدول ۱۸ مقایسه میانگین فاصله تا محل کار زنان شاغل خانوارهای نمونه قبل و بعد از ادغام

محدوده	قبل از ادغام			بعد از ادغام		
	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار
جامعه میزبان	۳/۳۲	۶	۸/۱۶	۱/۴۳	۱۴	۵/۳۵
جامعه میهمان	-	-	-	۹/۵۸	۱۲	۲/۳۴
کل مجموعه	۳/۳۲	۶	۸/۱۶	۵/۱۹	۲۶	۶/۰۸

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

جدول ۱۹ مقایسه میانگین مدت زمان اشتغال زنان شاغل قبل و بعد از ادغام

مدت اشتغال زنان	متغیر	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
کمتر از ۴ ماه	تعداد	۱	۱	۲	۶	۳	۷
در سال	درصد	۱۶/۷	۱۶/۷	۶۶/۷	۶۶/۷	۳۲/۳	۲۹/۲
۵-۹ ماه	تعداد	۰	۰	۱	۳	۱	۳
در سال	درصد	-	-	۳۲/۳	۳۲/۳	۱۱/۱	۱۲/۵
۱۰ ماه و بیشتر	تعداد	۵	۱۴	۰	۰	۵	۱۴
در سال	درصد	۸۲/۳	۹۳/۳	-	-	۵۵/۶	۵۸/۲
مجموع	تعداد	۶	۱۵	۳	۹	۹	۲۴
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

میانگین دستمزد ماهانه زنان شاغل در جامعه میزبان قبل از ادغام معادل ۲۵۰ هزارریال بوده که در حال حاضر به ۶۵۰ هزار ریال افزایش یافته است. این رقم برای زنان جامعه میهمان حدود ۷۵۰ هزار ریال برآورد می‌شود. به رغم کمک مالی حاصل از فعالیت زنان در



بیرون از خانه، میزان رضایتمندی از سرپرست خانوار در حد بسیار کم و حداکثر به صورت نظرهای بینابین است. البته پاسخگویان جامعه میزبان نیز در مورد اشتغال به کار زنان نظرهای مشابهی را ابراز داشتند (جدول ۲۰). همان‌گونه که پیشتر بدان اشاره شد، این مسأله به طور مستقیم به نظام ارزشی جامعه مربوط می‌شود.

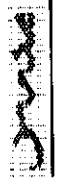
جدول ۲۰. نظرهای پاسخگویان در مورد رضایت از کار زنان در بیرون از خانه

نظرات	متغیر	جامعه میزبان	جامعه میهمان	کل مجموعه
کم	تعداد	۸۵	۳۳	۱۲۹
	درصد	۸۲/۵	۸۱/۵	۸۲/۲
متوسط	تعداد	۱۳	۱۰	۲۳
	درصد	۱۲/۶	۱۸/۵	۱۴/۶
زیاد	تعداد	۵	۰	۵
	درصد	۴/۹	-	۳/۲

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

۵-۴- تغییر الگوی مصرف

شاید یکی از مهمترین تغییراتی که ادغام فیزیکی روستاها در ساختار اقتصادی اجتماعات جابه جا شده به وجود می‌آورد، موضوع تغییر الگوی مصرف و رواج پول به عنوان عنصر اصلی مبادله است. در ساختار اقتصاد معیشتی که مبتنی بر تولید برای مصرف خانوار است، پول نقش چندانی ندارد و صرفاً برای تهیه برخی کالاهای خاص استفاده می‌شود. با ادغام روستاها، نظام اقتصادی جدیدی برای جمعیت آسیب دیده ایجاد شد که نتیجه اسکان مجدد آنها بود. در چنین نظامی، وابستگی اقتصاد خانوار به درآمد حاصل از اشتغالات غیرزراعی به دلیل از دست دادن منابع قبلی تولید شدت یافته، به تبع آن الگوی مصرف نیز دچار تغییر می‌شود. مقایسه بین نسبت محصولات تولیدی خانوار در سبد کالاهای مصرفی قبل و بعد از ادغام مشخص می‌سازد که این نسبت در هر دو جامعه به شدت کاهش یافته (جدول ۲۱) و در عین حال وابستگی به منابع اعتباری افزایش چشمگیری پیدا کرده است. این در حالی است که بخش اعظم وام‌های دریافتی، مصرف موارد غیرتولیدی، همچون مخارج روزمره، ساخت مسکن و امور متفرقه شده است (جدول ۲۲).



جدول ۲۱ نظرات پاسخگویان در مورد نسبت مصرف محصولات تولیدی خانوار

میزان مصرف	نوع	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
کم	تعداد	۵۱	۱۱۱	۲	۵۷	۵۴	۱۶۸
	درصد	۳۹/۵	۸۶/۰	۴/۷	۹۰/۵	۲۸/۰	۸۷/۵
متوسط	تعداد	۶۱	۱۸	۳۷	۶	۹۸	۲۴
	درصد	۴۷/۳	۱۴/۰	۵۷/۸	۹/۵	۵۰/۸	۱۳/۵
زیاد	تعداد	۱۷	۰	۲۲	۰	۲۱	۰
	درصد	۱۳/۲	-	۳۷/۵	-	۲۱/۲	-
مجموع	تعداد	۱۲۹	۱۲۹	۶۴	۶۴	۱۹۳	۱۹۳
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه

جدول ۲۲ محل هزینه وامهای دریافتی خانوار قبل و بعد از ادغام

محل هزینه وام	نوع	جامعه میزبان		جامعه میهمان		مجموعه ادغامی	
		قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام	قبل از ادغام	بعد از ادغام
امور تولیدی	تعداد	۱۱	۱۸	۸	۱۵	۱۹	۳۳
	درصد	۲۷/۵	۲۴/۰	۶۱/۵	۳۸/۵	۳۵/۸	۲۸/۹
مسافرت	تعداد	۰	۱	۰	۰	۰	۱
	درصد	-	۱/۳	-	-	-	۰/۹
مخارج روزمره	تعداد	۸	۱۴	۳	۱۰	۱۱	۲۴
	درصد	۲۰/۰	۱۸/۷	۲۳/۱	۲۵/۶	۲۰/۸	۲۱/۱
ساخت / توسعه مسکن	تعداد	۲۱	۲۵	۲	۶	۲۳	۳۱
	درصد	۵۲/۵	۳۳/۳	۱۵/۴	۱۵/۴	۴۳/۴	۳۷/۲
امور متفرقه	تعداد	۰	۱۷	۰	۸	۰	۲۵
	درصد	-	۲۲/۷	-	۲۰/۵	-	۲۱/۹
مجموع	تعداد	۴۰	۷۵	۱۳	۳۹	۵۳	۱۱۴
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه



۶- نتیجه‌گیری

به طور کلی پروژه‌های توسعه که در آن مبادرت به جابه‌جایی و اسکان مجدد جمعیت خصوصاً به صورت غیردوطلبانه می‌شود، به دلیل تخریب نظامهای تولیدی، معمولاً مشکلات اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی زیادی را موجب می‌شوند. داراییها و منابع تولیدی و درامدزا از دست می‌روند و جمعیت آسیب دیده در محیطی جدید اسکان می‌یابند که امکان استفاده از مهارتها و قابلیت‌های تولیدی آنها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، رقابت ناسالم برای دستیابی به منابع بیشتر باعث می‌شود ساختار محلی شبکه‌های روابط اجتماعی تضعیف شده، نهایتاً اقتدار سنتی و قابلیت همکاریهای متقابل از بین برود.

زمین، آب و حیات جانوری سه منبع اساسی هستند که در توسعه روستایی نقش بسیار مهمی دارند و برنامه‌ریزی پایدار روستایی باید بر آنها تأکید کند. بر اثر وقوع زلزله، هر سه منبع در روستاهای مورد مطالعه به شدت آسیب دیدند. با توجه به آسیب پذیری بالای جوامع روستایی، وقوع رویدادی غیرمنتظره، همچون زلزله، آنان را در معرض فقر گسترده‌ای قرار داد و زمینه بروز رفتارهای جدید در عرصه فعالیت‌های معیشتی پدیدار شد. تبدیل روستایی مولد به کارگر ساده ساختمانی به بیکاری اجباری و ناخواسته بخش زیادی از جوامع آسیب دیده (مردانی که به رغم توانمندی در زمینه کشاورزی، قدرت کار در فعالیت‌های سخت کارگری را ندارند) منجر شد تنوع منابع درآمدی روستاییان پیش از وقوع زلزله که از طریق بهره‌برداری معقولانه از منابع محدود محیطی در کنار تحرک مکانی فعلی و استفاده از فرصت‌های شغلی موجود در عرصه‌های شهری امکانپذیر می‌شد، در سالهای اولیه اسکان مجدد، چالش‌های زیادی را پیش روی جمعیت آسیب‌دیده قرار داد. بی‌توجهی مسئولان امر در ابتدای عملیات ادغام برای ایجاد زمینه‌های لازم جهت تأمین نیازهای شغلی نیز مزید بر علت شد.

به رغم سرمایه‌گذاریهایی که طی سالهای بعد از اسکان مجدد و عمدتاً در بخش خدمات صورت گرفت، نسل اول جامعه میهمان به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم و نسل دوم نیز به جهت تفوق و برتری جامعه میزبان در بعد اجتماعی و سیاسی، از دستیابی به فرصت‌های موجود آمده محروم ماند. در چنین شرایطی، روی آوردن به مشاغل قبلی (بهره‌برداری کشاورزی) تنها فرصت موجودی بود که در عین حال به دومکانه شدن بخشی از خانوارها انجامید. اشتغالات غیرزراعی نیز با برخی تغییرات جزئی به همان شیوه سابق استمرار یافت.



مهمترین نتیجه حاصل از ادغام روستاها را می‌توان در افزایش سهم زنان هر دو جامعه میزبان و میهمان مشاهده کرد. ایجاد فرصتهای شغلی برای زنان جامعه میزبان در بخش خدمات دولتی و گرایش بهره‌برداران زراعی روستاهای اطراف به استفاده از نیروی کار نسبتاً ارزان‌قیمت زنان جامعه میهمان، میزان اشتغال زنان را در طی دوره بعد از ادغام به شدت افزایش داد. البته تعارض میان ارزشهای حاکم بر اجتماع و حاکمیت مردسالارانه با این رویکرد نوین، به میزان زیادی، تحت تأثیر مشکلات اقتصادی خانوارهای آسیب دیده، نمود و بروز زیادی نداشته است.

بر این اساس و بنا بر معیارهای توسعه پایدار روستایی که ایجاد مشاغل دائمی، درآمد کافی، شرایط مناسب زندگی و فعالیت به ویژه برای کسانی که در فرایند تولید کشاورزی قرار دارند را از ضروریات پایداری می‌داند، می‌توان گفت که به دلیل عدم توجه جدی به امور اشتغال‌زایی و محدودیت منابع آب و خاک از یک طرف و نابرابری در بهره‌مندی از فرصتهای شغلی محدودی که در بخش خدمات دولتی ایجاد شده از طرف دیگر، جامعه میهمان به بهره‌برداری مجدد و هر چند بسیار محدود از منابع در مکان قبلی روی آورده و همچنان به فرصتهای شغلی در سایر مکانها از جمله شهرهای بزرگ ادامه می‌دهد. در این میان، شکل‌گیری اشتغال زنان در خارج از روستا، به عنوان پدیده‌ای جدید قابل طرح است.

بنابراین در شرایط خاص جغرافیایی ایران و اجتناب‌ناپذیر بودن وقوع حوادث طبیعی در کشور، و همچنین ضرورت کاستن از نتایج زیانبار این گونه مخاطرات، به ویژه در حیات اقتصادی فضاهای روستایی، لازم است ضمن اعمال سیاستهای مربوط به ارتقای کیفیت ساخت و سازها و مقاوم‌سازی محدثات در زیستگاههای انسانی، به اصول راهبردی زیر برای اطمینان از دستیابی به توسعه پایدار توجه شود:

- ارتقای سطح زندگی مادی و معنوی روستاییان در شرایط جدید؛
- رعایت توانهای زیست محیطی در انتخاب محل جدید برای جمعیت جابه‌جا شده به منظور ایجاد توازن بین مصرف منابع و تولید روستایی؛
- زمینه‌سازی برای مشارکت فعال و گسترده روستاییان در فرایند توسعه و مدیریت روستایی با تأکید بر مشارکت زنان و جوانان؛
- تنوع بخشی به فعالیتهای اقتصادی روستاییان.

در خصوص سیاستهای راهبردی اقتصادی نیز موارد زیر قابل طرح هستند:

- افزایش قدرت تولیدی و ارتقای مهارت روستاییان از طریق آموزش، ترویج و انتقال





فناوری؛

- ایجاد تنوع در فعالیتهای اقتصادی روستاییان با تأکید بر گسترش فعالیتهای نوین اقتصادی و استقرار صنایع سازگار با محیط در نواحی روستایی؛
- ارتقای کمی و کیفی محصولات و تولیدات روستایی و بهبود روشهای تولید و بازاریابی محصولات؛
- زمینه‌سازی برای دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و سرمایه‌ای جهت فعالیتهای اقتصادی در روستاهای آسیب دیده؛
- ایجاد تعادل در مصرف از منابع تجدید شونده در حد پایدار ماندن آنها؛
- اصلاح الگوی استقرار جمعیت و فعالیت در فضاهای آسیب‌دیده روستایی متناسب با ظرفیتهای و قابلیتهای محیطی؛
- مصون‌سازی روستاها از سوانح و بلایای طبیعی.

۷- منابع

- [۱] عسگری، علی؛ الگوی امکان‌سنجی جابجایی و تجمیع روستایی در ایران؛ تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- [۲] رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ «ارزیابی طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی»؛ فصلنامه مدرس، دوره دوم، ش. ۸، ۱۳۷۷.
- [۳] بارو، سی. جی؛ «توسعه پایدار: مفهوم، ارزش و عمل»؛ ترجمه سیدعلی بدری؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی (گروه جغرافیایی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا)؛ ش. ۴۴، ۱۳۷۶.
- [۴] رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ «توسعه روستایی در ایران»؛ مجموعه مباحث درسی دوره دکترای دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۷۸.
- [۵] بدری، سیدعلی و مجتبی رفیعیان؛ «ادغام روستاها و بازسازی مناطق روستایی آسیب دیده از زلزله: یک بررسی تحلیلی»؛ مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس جغرافیدانان ایران، به کوشش احمد مجتهدی و حسین صرامی؛ دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳.
- [۶] رحمتی، محمدمهدی؛ «ادغام روستاها و دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی ناشی از آن، مورد: روستاهای زلزله‌زده رودبار - منجیل»؛ مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.



- [7] Heeney, David; Sustainability and Sustainability Indicators; Industrial Economy and Strategic Consulting Inc., p. 23 , 1995.
- [8] Kumar, R. et al.; The Challenge of Sustainability, Foundation for International Training (FIT) , Ontario, Canada, 1993.
- [9] Dewar, David et al.; Regional Development and Settlement Policy: Premises and Prospects, London: Allen & Unwin (Publishers) Ltd., 1986.
- [10] Petts, Judith; Handbook of Environmental Impact Assessment; Vol 1, Environmental Impact Assessment : Process, Methods and Potential, 1999.
- [11] Sargent, O. Frederic; et al.: Rural Environmental Planning For Sustainable Communities, Washington D.C.: Island Press, 1991.
- [12] Parasuraman, S., "Methodological Issues In Studies on Resettlement and Rehabilitation of Project Displaced People", *Indian Journal of Social Work*, 57 (2), 1996.
- [13] Cernea, Michael; "The Risks and Reconstruction Model for Resettling Displaced Populations", *World Development*, Vol. 25, No. 10, 1997.
- [۱۴] او برای، ا. س.؛ مهاجرت ، شهرنشینی و توسعه؛ ترجمه دکتر فرهنگ ارشاد؛ تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی؛ نشریه شماره ۳۱، چ اول، سال ۱۳۷۰.
- [15] Cloke Paul J.; An Introduction to Rural Settlement Planning; Methuen & Co. Ltd., 1983.
- [16] Bapat, Jyotsana; "Towards A successful resettlement Strategy, A Case Study", *Journal of Rural Development*, 15 (1), 1996.
- [۱۷] ازکیا، مصطفی؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی؛ چ اول، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.
- [18] Kulaba, S. M; "Rural Settlement Policies In Tanzania"; *Habitat International*, 6(1-2), 1982.
- [۱۹] میسرا، آرپی؛ «مباحثی پیرامون توسعه روستایی»؛ مجله جهاد؛ ش ۱۱۵، ۱۳۷۳.
- [20] Peacock, W.G. et al.; "The Effects of Disaster Damage and Housing Aid on Household Recovery Following the 1976 Guatemalan Earthquake", *Inter-national Journal of Mass Emergencies and Disasters*, 5, 1, Mar., 1987.
- [21] Osterling, J. P.; "The 1970 Peruvian Disaster and the Spontaneous



- Relocation of Some of its Victims: Ancashiano Peasant Migrants in Huayapampa”; *Mass Emergenies*, 4, 2, 1979.
- [22] Littlewood, Paul; “Social and Political Aspects of the South Italian Earthquake of 1980”; *Disaster*; 9 (3), 1985.
- [23] Mathur, H. M.; “The Role of Anthropologists in Rural Development”, In Hari Mohan Mathur (Ed.), *The Human Dimension of Development: Perspectives from Anthropology*, New Delhi: Concept Publishing Company, 1990.
- [24] Hossain, Moazzem; “Economic Effects of Riverbank Erosion: Some Evidence from Bangladesh”, *Disasters*, Vol. 17, No. 1, 1993.
- [25] Scudder, Thayer; “Monitoring a Large-Scale resettlement program with repeated Household Interviews”, In: Krishna Kumar (ed.), *Rapid appraisal Methods*, The World Bank, Washington D.C., 1993.
- [26] Tamakloe, Martha A.; Long-Term Impacts of Resettlement: The Akosombo dam Experience; in *Involuntary Resettlement In Africa*, 1989.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

